

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال سیزدهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۲ - شماره پيوسته ۴۰

بررسی سیر تحول واژه‌هایی از فارسی باستان و میانه در گویش تالشی

عنبران و مقایسه آن با فارسی نو (ص ۱۱۵-۱۲۹)

یدالله نصراللهی،^۱ (نویسنده مسئول)، مهناز نظامی عنبران^۲

: 20.1001.1.2345217.1402.13.2.5.4

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷

چکیده

گویش تالشی ادامه طبیعی و تحول یافته زبان‌های دوره میانه و باستانی ایران است. عده‌ای از پژوهشگران این گویش را از گویش‌های زبان آذری و عده‌ای آن را زبانی که ریشه در زبان مادی دارد، به حساب می‌آورند. این گویش به سه دسته شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود که در این بین، لهجه عنبرانی در گروه لهجه‌های تالشی شمالی قرار دارد. این لهجه تا به امروز واژه‌های بسیاری از فارسی باستان و میانه را در درون خود حفظ کرده و در سطوح آوایی، واژگانی و دستوری، دارای ویژگی‌هایی است که نتایج بررسی دقیق آن‌ها می‌تواند خدمت شایانی به حوزه زبان فارسی داشته باشد و به پژوهشگران این عرصه یاری رساند. در پژوهش حاضر، که بر اساس بررسی سیر تحول تاریخی، آوایی و واج‌شناسی تعدادی از واژه‌های تالشی عنبرانی از دوره فارسی باستان و میانه و مقایسه آن‌ها با فارسی نو و معیار، نگاشته شده است، می‌توان گفت که این واژه‌ها در درون این لهجه چندان دچار تحول آوایی و ابدال نشده‌اند و به همین دلیل، شباهت و قرابت این واژه‌ها در لهجه مذکور به فارسی باستان و میانه بیشتر از فارسی نو و معیار است و این امر از دیرینگی و اصالت لهجه عنبرانی حکایت دارد.

کلمات کلیدی: واج، فارسی باستان، فارسی میانه، گویش تالشی، لهجه عنبرانی، فارسی نو.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Email: y.nasrollahy@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Email: mahnaznezami10@yahoo.com



The study of the evolution of words from Ancient and Middle Persian in the Taleshi dialect of Anbar and its comparison with the new Persian

Yadollah Nasrollahi¹ *
Mahnaz Nezami Anbaran²

Abstract

Taleshi dialect is a continuation of the natural and evolved language of the Middle and ancient Persian ones. Some scholars regard this dialect as the part of the Azeri language, and some people regard it as a language rooted in material language. This dialect is divided into three categories: North, Central, and South, among which the ambarani accent is located in the North Taleshi dialect group. Up to now, this accent has retained many ancient and Middle Persian words in its own language, and has phonetic, lexical, and grammatical features that the results of their careful examination can be a valuable service to the field. The Persian language is considered to be affluent and will help researchers in this field. The present study is based on the reading of the historical and phonological evolution of some tense words of Anbarian from the ancient and Middle Persian eras and their comparison with the new one. It can be said that these terms Within this accent have not been suffered from a phonetic and immortal evolution, and because of the similarity and resemblance of these words in the dialect of Anbarani dialect with the ancient and Middle Persian is more than the new Persian and the standard one, which is a sign of longitude and authenticity dialect.

Keywords: Taleshi dialect, Anbarian, Ancient Persian, Middle Persian, Phonology, New Persian.

¹. Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azarbaijan, Tabriz, Iran. (*Corresponding author*)* E-mail: malek_sh73@yahoo.com.

². Ph.D graduate of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azarbaijan, Tabriz, Iran.
E-mail: mahnaznezami10@yahoo.com

۱. مقدمه

گوش‌های ایرانی، ادامه طبیعی و تحول‌یافته زبان‌های پیش از خود؛ یعنی زبان‌های دوره باستان و میانه ایران هستند. بنابراین آن‌ها شاخه‌ای از زبان فارسی نیستند بلکه هم‌عرض با آن دچار تحولاتی شده‌اند که در مواردی حتی اصالت و دیرینگی آن‌ها، بیشتر از زبان فارسی است. بر همین اساس است که مطالعه و پژوهش در زمینه گوش‌های ایرانی می‌تواند بسیار ارزشمند و پرفایده باشد؛ چرا که می‌تواند در برطرف کردن برخی از مشکلات کنونی زبان فارسی در زمینه یافتن ریشه واژه‌ها و قواعد دستوری آن بسیار گره‌گشا باشد. بر اساس نتایج این قبیل پژوهش‌ها می‌توان متون قدیمی را دقیق‌تر و بهتر بررسی کرد و ساختار دستوری و واژگانی آن‌ها را بهتر شناخت؛ چرا که این گوش‌ها در حقیقت، ادامه یا هم‌خانواده زبانی هستند که در متون کهن فارسی به کار رفته است. از طرفی هم می‌توان در ساختن واژه‌های جدید، ظرفیت فارسی معیار را بالا برد و در صورت نیاز، واژه‌های اصیل را به زبان معیار وارد کرد و آن را پربرتر ساخت.

یکی از گوش‌های ایرانی، گوش تالشی است. تالشی گویشی است که ریشه در زبان‌های ایران دوره باستان و میانه دارد. در طبقه‌بندی گویش‌ها، تالشی را از گوش‌های زبان‌های ایرانی شمال غربی می‌دانند. «تالشی از گویش‌هایی است که در حاشیه جنوبی دریای خزر علاوه بر ایران، در جمهوری آذربایجان نیز به آن تکلم می‌شود و گونه‌های متعددی دارد که همه آن‌ها به سه گروه قابل تقسیم‌اند: ۱. تالشی شمالی ۲. تالشی مرکزی ۳. تالشی جنوبی.» (سبزیلیور، ۱۳۹۱: ۱۰) در این میان، لهجه تالشی اردبیل در گروه لهجه شمالی قرار دارد، «از تالشی شمالی می‌توان به لهجه‌های لنکرانی، ماسالی، عنبرانی، جوکندانی و چوبری و غیره اشاره کرد» (کیشه‌خاله، ۱۳۸۷: ۵۷) که محقق پژوهش حاضر از گویشوران لهجه عنبرانی آن است. این امری بدیهی است که حفظ اصالت و تأثیرناپذیری از زبان‌های دیگر چون ترکی و فارسی نو در همه گوش‌ها به یک اندازه نیست، همچنین تحول واژه‌ها و ویژگی‌های دستوری در هر یک از گوش‌های ایرانی با هم تفاوت دارند. بنابراین، پژوهش در زمینه تحولات واژه‌های فارسی باستان و میانه و همچنین ویژگی‌های دستوری آن‌ها در این گوش‌ها و حتی در لهجه‌های مختلف آن‌ها نتایج متفاوت خواهد داشت. به دلیل اهمیت موضوع، پژوهش‌های زیادی در زمینه تحول واژه‌های فارسی باستان و میانه در گوش تالشی و بعضی لهجه‌های آن صورت گرفته است اما در این بین به لهجه عنبرانی، که در بعضی موارد تفاوت زیادی با سایر لهجه‌ها دارد، توجه چندانی نشده است. بنابراین در این پژوهش، اساس کار بر لهجه عنبرانی قرار داده شده است و تعدادی واژه به‌جامانده از فارسی باستان و میانه در این لهجه یافته و تحولات صورت گرفته در هر کدام از این واژه‌ها بررسی گردیده است. بنابراین هدف از نگارش این مقاله، بررسی سیر تحول تاریخی و آوایی برخی واژه‌های تالشی عنبرانی از دوره باستان و میانه و مقایسه آن با فارسی معیار است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تالشی از گویش‌های زبان‌های ایرانی شمال غربی است. این گویش از دیرباز مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته و مقالات علمی و رساله‌های دانشگاهی بسیاری در این زمینه به نگارش درآمده است. در این پژوهش‌ها گویش تالشی از زوایای مختلفی چون ویژگی‌های آوایی، ساختار واژگان و ویژگی‌های دستوری مورد بررسی قرار گرفته است.

از مهم‌ترین مقالات علمی که به تحولات آوایی و واجی واژه‌های گویش تالشی پرداخته‌اند می‌توان به مقاله محمود جعفری دهقی، با عنوان «مقایسه تحول تاریخی برخی واژه‌های تالشی با فارسی معیار» مندرج در مجله گویش‌شناسی، ضمیمه نامه فرهنگستان (۱۳۸۴)، مقاله مهدی کارگر با عنوان «بررسی ریشه‌شناختی چند واژه تالشی» مندرج در مجله ادب پژوهی (زمستان ۱۳۹۳)، و پژوهش‌های برجسته محرم رضایتی کیشه‌خاله که عبارتند از: رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۷)؛ نمودهای اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی، گویش‌شناسی، دوره پنجم، شماره اول، ص ۵۵-۷۹. در این مقاله، بررسی تأثیر تنوع صوتی، آمیزش زبانی، دوزبانگی، نظام خویشاوندی و همچنین تأثیر محیط طبیعی و بافت اجتماعی بر گویش تالشی است که با ذکر شواهد و تحلیل‌هایی همراه است.

رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۶)؛ چند نکته دستوری در مورد زبان تالشی، دانشگاه گیلان. رضایتی در این مقاله می‌گوید: گویش‌های ایرانی، ضمن خویشاوندی با زبان فارسی و داشتن بعضی قواعد دستوری مشترک با آن، از نظر دستگاه آوایی، الگوهای صرفی و نحوی، اصالت خود را حفظ کرده‌اند، آن‌ها از زبان فارسی منشعب نیستند و در امتداد آن قرار نمی‌گیرند بلکه، هم‌عرض با آن، ادامه طبیعی و تحول‌یافته زبان‌های پیش از خود؛ یعنی زبان‌های دوره میانه و باستانی ایران به حساب می‌آیند و چه بسا نشانه‌های دیرینگی و پیوستگی آن‌ها به آن زبان‌ها، به دلایلی، مشخص‌تر از فارسی باقی مانده است.

۲-۱. اهمیت تحقیق

«زبان و گویش‌ها به عنوان یکی از عناصر عمده فرهنگ، از سرمایه‌های انسانی به شمار می‌آیند و در شرایطی که شاهد نابودی سریع این سرمایه‌های ملی و انسانی هستیم و پاسداشت و نگهداری آن‌ها نیز آسان نیست، لازم است با ثبت و ضبط ویژگی‌های آن‌ها، از نابودی کامل این میراث فرهنگی و ملی پیشگیری کنیم» (۱۴۰۱، فناهی و همکاران: ۱۰۲). بنابراین به دلیل اهمیت این موضوع، باید پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای در زمینه گویش‌ها انجام گیرد، از جمله بسیار ضرورت دارد که در گویش تالشی و شاخه‌ها و لهجه‌های مختلف آن نیز، به بررسی تحول واژه‌های فارسی باستان و میانه پردازیم.

۳-۱. روش تحقیق

در این پژوهش برای بررسی تحولات تاریخی و آوایی برخی واژه‌های تالشی عنبرانی و مقایسه آن با فارسی معیار، آثاری از قبیل: «راهنمای زبان فارسی باستان» نوشته چنگیز مولایی، «واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی» و «تاریخ زبان فارسی» دو اثر از مهری باقری، «تاریخ زبان فارسی» از پرویز ناتل خانلری، «تاریخ زبان فارسی» از محسن ابوالقاسمی، «تحول آوایی زبان فارسی» اثر هاینریش هوبشمان، و همچنین «فرهنگ زبان پهلوی» از مکنزی، «فرهنگ فارسی به پهلوی» از فره‌وشی و «فرهنگ زبان ایرانی باستان» اثر بارتولمه را مبنا قرار داده و به بررسی سیر تحول تاریخی و آوایی برخی از واژه‌های تالشی عنبرانی پرداخته‌ایم. در این تحقیق، ابتدا واژه‌هایی که از فارسی باستان و میانه، بدون تحول و یا با تحول آوایی اندک، به تالشی عنبرانی رسیده‌اند، استخراج و سپس از نظر میزان و نوع تحول، با فارسی معیار مقایسه شده‌اند.

۲. معرفی اجمالی فارسی باستان، میانه و گویش تالشی عنبرانی

پیش از بررسی تحولات تاریخی و آوایی برخی از واژگان فارسی باستان و میانه در گویش تالشی عنبرانی، لازم است که به طور اجمال به معرفی زبان‌های باستانی ایران، فارسی میانه، گویش تالشی و لهجه عنبرانی این گویش پردازیم:

۲-۱. زبان‌های باستانی ایران

زبان فارسی در خانواده وسیع و گسترده هند و اروپایی، از معدود زبان‌هایی است که می‌توان سیر تحول آن را از قدیم‌ترین دوره‌های تاریخ تا به امروز بررسی کرده و دگرگونی‌های آن را به صورت متوالی، بازشناخت. «از سال هزار تا هفتصد پیش از میلاد مسیح، دوره رواج ایرانی باستان است، از ایرانی باستان، چیزی حتی یک کلمه هم باقی نمانده است. از ایرانی باستان - تا آنجا که مدرک در دست داریم - چهار زبان مستقیماً منشعب شده‌اند: ۱. سکایی، ۲. مادی، ۳. اوستایی، ۴. فارسی باستان» (ابوالقاسمی. ۱۳۸۵: ۱۴).

«سکاها از هزاره اول پیش از میلاد مسیح تا هزاره اول پس از میلاد مسیح، منطقه وسیعی را از کناره‌های دریای سیاه تا مرزهای چین اشغال کرده بودند. از زبان سکایی نوشته‌ای به جای نمانده، تنها تعدادی لغت، اغلب به صورت اسم خاص از زبان سکاهای مغرب که در کناره‌های دریای سیاه زندگی می‌کرده‌اند، در کتاب‌های یونانی و لاتینی باقی مانده است. از زبان مادی - که زبان قوم ماد بوده - نوشته‌ای به جا نمانده است. از این زبان، تعدادی لغت در نوشته‌های فارسی و یونانی باقی مانده است.

زبان اوستایی، زبان یکی از نواحی شرق ایران بوده است اما به درستی معلوم نیست از کدام ناحیه. تنها اثری که از زبان اوستایی در دست است اوستا، کتاب دینی زردشتیان است. (همان: ۱۷-۱۴)

«زبان فارسی باستان که نیای زبان فارسی امروزی محسوب می‌شود، زبان قوم پارس بوده است که پس از ورود به ایران در جنوب غربی آن (استان فارس کنونی) ساکن شدند و شاهنشاهی بزرگ هخامنشی را در ۵۵۰ ق.م بنیاد نهادند» (زرشناس، ۱۳۸۲: ۱۵).

۲-۲. فارسی میانه

«زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی (۳۳۰ م) تا چند سده پس از انقراض ساسانیان (۳۱/۶۵۱ م) کاربرد داشته‌اند، به دو گروه غربی، شامل زبان‌های پارسی (شاخهٔ شمال غربی) و فارسی میانه (شاخهٔ جنوب غربی) و شرقی، شامل زبان‌های سغدی و خوارزمی (شاخهٔ شمال شرقی)، سکایی و بلخی (شاخهٔ جنوب شرقی) تقسیم می‌شوند» (زرشناس، ۱۳۸۲: ۳۳) که در این بین، تالشی از گویش‌های زبان‌های میانهٔ شمال غربی است. زبان فارسی نو و پارسی میانه چه از نظر واژگانی و چه از نظر دستوری همانندی‌های زیادی دارند. در واقع، تحولی که از فارسی باستان تا فارسی میانه اتفاق افتاده است بسیار عظیم‌تر از تحولی است که از فارسی میانه تا فارسی نو رخ داده است.

۲-۳. گویش تالشی لهجهٔ عنبرانی و محدودهٔ جغرافیایی گویشوران آن در اردبیل

بخش عمده‌ای از اقامتگاه گویشوران تالشی گویش شمالی در کشور آذربایجان قرار دارد که در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با بستن عهدنامه‌های گلستان (۱۲۲۸ ه.ق/۱۸۱۳ م) و ترکمانچای (۱۲۴۳ ه.ق/۱۸۲۸ م) از خاک ایران جدا و به امپراطوری روسیه (جمهوری آذربایجان کنونی) واگذار شد. منطقه‌ای که در شمال استان اردبیل منتهی به مرز کشور آذربایجان و غرب گیلان وجود دارد، در محدودهٔ گویش تالشی شمالی قرار دارد که گویشوران آن دارای لهجهٔ عنبرانی‌اند. ماندگاری برخی واژه‌های کهن در تالشی عنبرانی اصالت و دیرینگی این لهجه را اثبات می‌کند. «ماندگاری برخی واژه‌ها و واژه‌های کهن در گویش تالشی شمالی، ضمن اثبات اصالت و دیرینگی آن، از نظر اجتماعی نیز بیانگر ارتباط درون‌گروهی گویشوران آن در گذشته بوده و نشان می‌دهد که عوامل برون‌زبانی در تحولات آن کمتر نقش داشته است» (کیسه خاله، ۱۳۸۷: ۵۸).

صاحب‌نظران برجستهٔ زبان‌های ایرانی در مورد گویش تالشی نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی از آن‌ها چون پرویزخانلری و مهری باقری گویش تالشی را یک زبان از زبان‌های ایرانی شمال غربی به شمار می‌آورند؛ «زبان تالشی از جمله زبان‌های ایرانی شمال غرب است که تا زمان‌های قبل (تا حدود قرن دهم هجری) در سرزمین آذربایجان رایج بوده و از آن پس جای خود را به یکی از گویش‌های ترکی

داده است.) (خانلری، ۱۳۶۵: ۲۹۸) و برخی دیگر نیز گویش تالشی را از گویش‌های زبان آذری می‌دانند. افشین خان‌بازاده در پایان‌نامه خود در این باره از زبان احسان یارشاطر آورده: «تریدی نیست که زبان آذری جز دنباله زبان مادی نمی‌توانسته باشد، چون آذربایجان و جبال مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبه ترکی زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آنکه می‌توان تصور کرد که زبان اشکانی و سپس زبان فارسی به نوبت در مراکز عمده آذربایجان تا حدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به جا گذاشته باشد اما چون از زبان مادی باستان اثر مستقلی در دست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده عمدتاً در کتیبه‌های هخامنشی به جا نمانده است، تشخیص دقیق‌تر آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعه آثار آذری در دوره اسلامی و همچنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است. و باز در ادامه می‌آورد که با وجود تضعیف روزافزون زبان ایرانی آذربایجان از زمان غلبه مغول، گویش‌های این زبان به کلی از میان نرفته، بلکه هنوز در نقاط مختلف آذربایجان و نواحی اطراف آن به طور پراکنده و غالباً به نام تاتی به آن‌ها سخن می‌گویند. که این گویش‌ها از شمال به جنوب عبارتند از: ۱. گویش کرینگان از دهات دیزمار خاوری در بخش ورزقان شهرستان اهر ۲. گویش کلاسور و خوینه رود از دهات بخش کلیبر اهر ۳. گویش گلین قیه از دهات دهستان هرزند در بخش زور شهرستان مرند ۴. گویش عنبران در بخش نمین شهرستان اردبیل ۵. عمده دهات بخش شاه‌رود خلخال و غیره» (خان‌بازاده، ۱۳۹۸: ۹-۱۰).

«هرچند که سند تاریخی یا سنگ‌نوشته‌ای از زبان مادی بر جای نمانده است، ولی چند واژه‌ای که از این زبان در کتیبه‌های هخامنشی به جا مانده، خویشاوندی آن را با زبان‌های اوستایی و فارسی باستان، که هر دو جزو زبان‌های باستانی ایران هستند، روشن می‌سازد» (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۱: ۵۶۰). محمد امین ریاحی در این زمینه می‌گوید: «زمانی که با تحقیق مرحوم کسروی مسلم گردید که مردم آذربایجان به یکی از لهجه‌های کهن ایرانی سخن می‌گفتند، این تصور غلط به ذهن بعضی محققان و خوانندگان آن‌ها راه یافت که آذری کهن، خاص آذربایجان و به کلی جدا از زبان محاوره شهرها و استان‌های مجاور بوده است و آنچه مسلم است این است که در کلیه شهرها و نواحی شمال غرب ایران، در خطی از اصفهان و گلپایگان تا خرم‌آباد (در قلمرو ماد قدیم) زبان محاوره مردم پهلوی شمال غربی بوده است و اگر لهجه شهرهای مختلف فرقی باهم داشته تا همین حد بوده که فارسی محاوره کرمان، شیراز، کاشان و تهران با هم فرق دارد. زبان محاوره در نواحی شمال غربی ایران یکی بوده که باید پهلوی نامیده شود و تعبیرات آذری، رازی، تاتی و شهری نیز چیزی جز همان پهلوی نیست» (ریاحی، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۸). بنابراین تنوع گویش‌ها و لهجه‌ها در ایران نباید موجب شود که ما تصور کنیم که این گویش‌ها و لهجه‌ها از زبان‌های کاملاً متمایز از هم نشئت گرفته‌اند، بلکه باید بدانیم همه آن‌ها صورت تحول‌یافته زبان‌هایی هستند که همه از زبان‌های ایران باستان و میانه نشئت گرفته و از یک خانواده‌اند. در کتاب «زبان فارسی در

آذربایجان» به نقل از منوچهر مرتضوی آمده است که: «لهجه‌های ایرانی از آبشخور واحدی سیراب شده‌اند و طبعاً طرز تعبیر مشترک ایرانی کما بیش در همه آن‌ها جاری است» (افشار، ۱۳۶۸: ۳۶۷). به هر حال تفاوت چندانی نمی‌کند که تالشی عنبرانی را یکی از لهجه‌های گویش شمالی زبان تالشی بدانیم و یا آن را از لهجه‌های زبان آذری فرض کنیم؛ چرا که هر دو زبان از زبان‌های شمال غرب ایران، که ریشه در زبان مادی دارند، نشئت گرفته‌اند و زبان مادی نیز یکی از زبان‌های ایران باستان به شمار می‌آید.

۳. تحول تاریخی و آوایی واژه‌هایی از فارسی باستان و میانه در گویش تالشی عنبرانی

۱-۳. تحولات مصوّت a

«مصوّت a در فارسی باستان بازمانده مصوّت a در ایرانی باستان، آن هم صورت تحول‌یافته یکی از واج‌های a, e, o, m, n. در هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۲۱) اما این مصوّت در آغاز بیشتر واژگان تالشی عنبرانی به صورت [ā] آمده است. در جدول زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
اسب	āsb	asp	aspa	aspa-
انگشت	āngəšta	angust	angušta-	angušta-
ابر	āv	abr	*abra-	awra-
استخوان	āsta	astuxān	asta-	ast-
اشک	ārs	ars	aṛka-	asrū-

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، اصالت واژگان در تالشی عنبرانی نسبت به فارسی میانه و باستان چندان دچار تحول و تغییر نشده و کمابیش حفظ شده است.

در مواردی هم این مصوّت در آغاز واژه بدون تغییر باقی مانده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
او	av	ōy	ava-	ava-

۲-۳. تحولات مصوّت ā

«مصوّت ā در فارسی باستان، بازمانده مصوّت ā در ایرانی باستان است. این مصوّت ایرانی باستان، صورت تحول‌یافته‌ی یکی از واج‌های ē, ē̄, ā, ā̄, ṁ, ṇ هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۲۲).

ولی این واکه در زبان تالشی عنبرانی به [u] و [o] بدل شده است که در فارسی نو ایجاد نشده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
آرد	urda	ārd	ārta-	aša-
آب	uv	āb	āb-	āp-
آسمان	usmun	āsmān	asmānam-	asman-
آهن	osən	āhan	āsan-	āθan-
آینه	ovayna	ēwēnag	ā-dayanaka-	ādayana-

۳-۳. تحولات واج v

«واج v فارسی باستان (= هند و اروپایی v) در آغاز واژه پیش از واکه‌ها در پهلوی و پازند تغییر نمی‌کند و در فارسی نو به b تبدیل می‌شود» (هوشمان، ۱۳۸۶: ۱۳۱) اما در گویش تالشی عنبرانی، به صورت v تلفظ می‌شود:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
بانگ	vāng	vāng	vank-	vā k -
بینی	vəni	vēnīg	vaina-	vaēnā-
بیشه	viša	vēšag	vaišaka-
بیوه	veva	vēwag	viðavā-
بین	vina	vén	vaina-	vaina
بس	vas	vas	vasiy-	vasiy-

در مثال زیر، v آغازین حفظ شده‌است و خوشه xš به š تحول یافته‌است.

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
درخشیدن	vašana	waxšidan	vaxša	-

۳-۴. تحولات واج y

«واج y فارسی باستان (= هند و اروپایی y) در آغاز واژه فارسی نو به j تبدیل می‌شود» (هوشمان، ۱۳۸۶: ۱۲۴) اما در یک مورد در زبان تالشی عنبران بدون تغییر مانده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
جو	yav	jaw	yava-	yava-

چنانچه مشاهده می‌شود هنوز هم صورت باستانی واژه فوق، بدون تغییر به تالشی عنبرانی رسیده و در این زبان حفظ شده است اما رایخلت این واژه را در اوستا yava و به معنی گندم آورده است. (نک. رایخلت، ۱۹۶۸: ۲۵۵).

۳-۵. تحولات واج h

یکی از موارد دگرگونی واج «h» زمانی است که در آغاز واژه قرار بگیرد و صوت بعدی آن واکه «u» باشد. در این صورت صوت «h» بدل به «x» می‌شود. بدین ترتیب پیشاوند «hu» که به معنی نیک و خوب است، اغلب در فارسی جدید به «xo» بدل می‌گردد؛ مانند: خجسته و خسرو. مصوّت «u» در برخی از کلمات تا فارسی جدید بدون تحول باقی مانده و در برخی دیگر تا فارسی میانه به صورت «u» مانده و در فارسی جدید به «o» بدل شده است. در تالشی، صوت «h» آغاز واژه بدون تغییر مانده است و در برخی موارد هم /h/ ایرانی باستان در تالشی و فارسی نو به /x/ تبدیل شده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
خشک	həšk	hušk	uška-	huška-
خوک	xug	hug	hūka-	hū-

۳-۶. تحولات واج r

«واج r در فارسی باستان، بازماندهٔ r ایرانی باستان، آن هم مأخوذ از r هند و اروپایی است. صامت r در فارسی باستان، بازماندهٔ واج r در هند و ایرانی، آن هم مأخوذ از I در هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۳۳). این واج بدون تغییر به تالشی عنبرانی رسیده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
روز	rož	rōz	raočah-	raočah-
راه	ru	rāh	rāθa-	raθa-
کشور	kišvar	kišwar	karšvar-	karšvar-

۳-۷. تحولات صامت š

«صامت š در فارسی باستان چند منشأ مختلف دارد: ۱. صامت š مأخوذ از š ایرانی باستان، آن هم صورت تحول یافتهٔ s هند و اروپایی است. ۲. صامت š در فارسی باستان مأخوذ از š در هند و اروپایی است. ۳. گروه صوتی šn در فارسی باستان مأخوذ از šn در هند و ایرانی، آن هم صورت تحول یافتهٔ šn هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۳۰):

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
گوش	guš	gōš	gauša-	gaoša-
چشم	čaš	čašm	čaša-	čašma-
نوشتن	nəvəšte	nibištan	nipišta-	Paēs-

۳-۸. تحولات صامت t

«صامت t در فارسی باستان، بازماندهٔ صامت t در ایرانی باستان، آن هم مأخوذ از t در هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۲۶). t آغازین ایرانی باستان بدون تحول به تالشی عنبرانی رسیده است.

اوستایی	فارسی باستان	فارسی میانه	تالشی عنبرانی	فارسی معیار
taoxma-	tauma-	tōm	tuma	تُخمه
tapara-	tapara-	tabar	tava	تَبَر
tauruna-	tarna-	tarr	tār	تَر
tərəša-	tarša-	tru(f)š	tərš	تُرَش
taršna-	taršnaka-	tišnag	taši	تشنه

۹-۳. تحولات صامت z

«صامت z در فارسی باستان، بازمانده صوت ž در ایرانی باستان و آن هم مأخوذ از واج‌های ž^h و gg^h در هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۲۷). این صامت در تالشی عنبرانی به ž تبدیل شده است:

اوستایی	فارسی باستان	فارسی میانه	تالشی عنبرانی	فارسی معیار
ǰanay-	ǰani-	zan	žen	زن
ǰuua -	ǰiv-	zīwistan	žiye	زیستن
ǰan-	ǰan-	zadan	žae	زدن
ǰiva-	zivantaka-	zandag	baže	زنده
mičak-	mij a -	mi j(ag)	miža	مژه

۱۰-۳. تحولات واج x

«صامت x در فارسی باستان، بازمانده x در ایرانی باستان است. صورت x در ایرانی باستان مأخوذ از kh در هندو ایرانی آن هم مأخوذ از qh و q̄h در هند و اروپایی است» (مولایی، ۱۳۸۷: ۲۸). X آغازین در زبان تالشی ابقا شده است:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
خسته	xasta	xastag	xastaka-	xastaka-
خُم	xəmb	xunbak	xumba-	xumba-

X آغازین در زبان تالشی در مواردی هم به h تبدیل شده است.

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه	فارسی باستان	اوستایی
خرگوش	havuš	xargōš	xara-gauša-	xara-gauša-
خانی (چشمه)	huni	xān/xānīg	xānī-	xān-

۴. وجود آواها و واژه‌های کهن زبان‌های ایرانی، در زبان تالشی عنبرانی

وجود آواها و واژه‌های کهن در زبان تالشی نشانگر آن است که این زبان بسیار کندتر و دیرتر از زبان فارسی دچار تغییر و تحول شده است. واژه‌های زیر که از فرهنگ فارسی به پهلوی بهرام فره‌وشی و همچنین فرهنگ پهلوی مکتزی استخراج شده‌اند با اندکی تحول، هنوز در ارتباطات روزانه گویشوران تالشی عنبرانی استفاده می‌شوند و بیانگر این موضوع هستند.

در جدول زیر، کلماتی آمده که بدون هیچ تغییری، به زبان تالشی عنبرانی رسیده و هم‌اکنون نیز به صورت اولیه در بین گویشوران آن رایج‌اند.

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه
پولاد	pōlāt	pōlāt
بانگ، صدا	wāng	wāng
مردمک چشم	tītag	tīdag

کلمات جدول زیر از فارسی میانه بدون تغییر به تالشی عنبرانی رسیده‌اند و فقط واژه پایانی را از دست داده‌اند:

فارسی معیار	تالشی عنبرانی	فارسی میانه
بیوه	wēwa	wēwag
هموار	hamo	hamōg
بینی	wēnī	wēnīg
بچه، طفل	wačča	waččag

۵. نتیجه‌گیری

تالشی یکی از گویش‌های ایرانی است که ریشه در زبان‌های دوره باستان و میانه دارد. عده‌ای از پژوهشگران، تالشی را یکی از گویش‌های زبان آذری، که ریشه در زبان مادی دارد، به حساب می‌آورند و برخی دیگر نیز آن را زبانی می‌دانند که از زبان‌های شمال غربی ایران باستان نشئت گرفته است. با بررسی سیر تحولات آوایی تعدادی از واژه‌های گویش تالشی عنبرانی و مقایسه آن با فارسی معیار مشخص شد که در گویش تالشی عنبرانی، تحولات آوایی و واجی این واژه‌ها نسبت به فارسی نو بسیار اندک است، به نحوی که نسبت شباهت و قرابت این واژه‌ها با فارسی باستان و میانه بیشتر از فارسی معیار است و این ماندگاری و عدم تحول واژه‌های باستان و میانه در این گویش، اصالت و دیرینگی آن را اثبات می‌کند. پژوهش در زمینه سیر تحولات آوایی واژه‌ها در گویش‌ها نتایج پربار و متعددی دارد که از طریق آن می‌توان به گوهر گران قدر زبان فارسی خدمت کرد.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۵). تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.
- افشار، ایرج (۱۳۶۸). زبان فارسی در آذربایجان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بارتلمه، کریستین (۱۳۸۴). تاریخچه واج‌های ایرانی. ترجمه واهه دومانیان. تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بازن، مارس (۱۳۶۷). طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران. ترجمه مظفر امین فرشچیان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران: قطره.

- باقری، مهری (۱۳۷۶). تاریخ زبان فارسی. تهران: نشر قطره.
 - جهانبخش، فرهنگ (۱۳۸۳). تاریخ زبان فارسی. تهران: فرهنگ.
 - خانبابازاده، افشین (۱۳۹۸). بررسی ادبیات شفاهی گویش تالشی شمالی در منطقه غبران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز.
 - رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۱). مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران. تهران: نشر آثار.
 - رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۷). نمودهای اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی. گویش‌شناسی. ۷۹-۵۵، (۱)۵.
 - رودیگر، اشمیت (۱۳۹۳). راهنمای زبان‌های ایرانی. ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی. تهران: ققنوس.
 - ریاحی، محمد امین (۱۳۷۵). نزهة المجالس. تهران: علمی.
 - زرشناس، زهره (۱۳۸۲). زبان و ادبیات ایران باستان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۱). تاتی، تالشی و گیلکی. رشت: دانشگاه گیلان.
 - عبدلی، علی (۱۳۶۹). تات‌ها و تالشان. تهران: ققنوس.
 - فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: دانشگاه تهران.
 - فنایی، مژگان، حاجیانی، فرخ، و محمودی، محسن (۱۴۰۱). بررسی ریشه‌شناسی چند واژه در گویش بابلی. ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، ۱۲(۲)، ۹۹-۱۲۹. doi: 10.30495/IRLL.2022.1940188.1471
 - کسروی، احمد (۱۳۸۳). آذری یا زبان باستان آذربایجان. تهران: خورشید آفرین.
 - مکزی، دن (۱۳۷۳). فرهنگ زبان پهلوی. مترجم مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
 - مولایی، چنگیز (۱۳۸۷). راهنمای زبان فارسی باستان. تهران: انتشارات نارمک.
 - ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵). تاریخ زبان فارسی. جلد اول. تهران: نشر نو.
 - هوبشمان، هانریش (۱۳۸۶). تحول آوایی زبان فارسی. ترجمه بهزاد معینی‌سام. تهران: امیرکبیر.
- Reichelt, Hans (1968). *Avesta Reader*. De Gruyter Berlin